

وصیت و وصیتنامه

قانون مدنی در فصل اول از باب اول در وصایا وارث مقرراتی مربوط به وصیت در مواد ۸۳۴ و ۸۳۷ و ۸۴۳ وضع و مواد ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۴ قانون امور حسبی نیز کیفیت تنظیم وصیت نامه غیر رسمی را بنام خود نوشت و سری و شفاهی تعیین کرده و جناب آقای طباطبائی وکیل محترم دادگستری و همکاران گرامی دیگر چندی قبل در بخش مرزهای قانون رادیو ایران قواعد مزبور را بطور منجز بیان و تقریباً آن قوانین را در مورد وصیت و همچنین اجباروصی را به قبول قاطع امر قلمداد فرمودند ولی راجع به اشکالاتیکه در تأثیر و اجرای آنها ممکن است پیش آید ساکت ماندند لذا بی مناسبت نیست که این موضوعات مورد بحث قرار گیرد و بدانیم آن مواد وقتی با قوانین و مقررات دیگر اصطکاک و معارضه پیدا کرد تکلیف چه خواهد شد بعبارت دیگر آیا آن مواد به تنهایی و بدون رسیدگی محاکم و توجه بقوانین مغایر مورد عمل قرار خواهد گرفت یا منازعه و کشمکش و طرح دعوا ایجاد مینماید و آیا در صورت طرح دعوا محاکم با استناد آن مواد میتوانند حکم صادر نمایند یا قوانین و مقررات دیگر تأثیر آنها را کان لم یکن میسازد زیرا ظاهراً امر اینست که مواد فوق الذکر تشریفات بدون تأثیری بیش نیست و بدون رضایت اشخاص معارض نمیتواند قاطع امر محسوب گردد.

اولا - ماده ۸۳۷ مقرر داشته محرومیت از ارث در وصیت نافذ نیست و ماده ۸۴۳ وصیت زیاده بر ثلث را هم بی تأثیر دانسته ولی بحث در اینجاست که همیشه این قبیل وصیت ها که موصی علاقمند به انجام آن است به صیغه صلح و نذر واقع میگردد و چون در مذهب تشیع صلح و در مذهب تسنن نذر از هر جهت نافذ و مؤثر و قاطع است در اینصورت تکلیف وارث محروم و یا اموال اضافه بر ثلث از چه قرار خواهد بود و دادگاه در اینمورد چه تصمیمی اتخاذ خواهد نمود و آیا کدام یک از آن دو مقررات را مورد حکم قرار میدهد (قواعد صلح و نذر یا قواعد وصیت).

ثانیاً - مواد ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۴ قانون امور حسبی راجع بوصیتهای خود نوشت و سری و شفاهی در مورد اموال غیر منقول با توجه در مواد ۴ و ۶ و ۷ و ۸ قانون ثبت چه صورتی پیدا خواهد کرد زیرا آئین نامه وزارت دادگستری که بموجب ماده ۲۹۹ قانون امور حسبی تدوین گردیده در مورد صدور سند مالکیت بنام ورثه نسبت به املاک ثبت شده مورث توافق سایر ورثه را شرط دانسته و مقرر داشته که اگر توافق بعمل نیاید باید ذینفع بدادگاه مراجعه کند و حکم دادگاه در این مورد تکلیف را معین خواهد کرد. پس در اینجا ملاحظه خواهد شد که آن وصیت نامه ها بنفسه دارای تأثیری نیست مگر اینکه وراثت موافقت نمایند و وقتی که وراثت موافقت کردند احتیاجی به شرایط وصیت نامه های خود نوشت و سری پیدا نخواهیم کرد زیرا در صورت موافقت آنها بدون آن شرایط یا بدون آن وصیت نامه هم میتوان عمل نمود.

چون غالباً در این قبیل موارد وراثت متضرر موافقت نمیکنند قطعاً حل و فصل دعوا بمحاکم احاله خواهد شد و وقتی قضیه بدادگاه کشید آیا دادگاه به قواعد تأثیر اسناد و مواد ۴ و ۶ و ۷ و ۸ قانون ثبت توجه خواهد داشت و دارندگان وصیت نامه سری خود نوشت را محکوم به بیحقی کرده یا طبق آن نوع وصیت نامه ها و مخالف مواد قانونی ثبت محکم بنفع موصی صادر مینماید ؟

ثالثاً - در آخر این بحث موضوع ماده ۸۳۴ یعنی اجبار وصی به قبول وصیت پیش میآید که این اجبار بچه نحو صورت تحقق پیدا میکند و اگر وصی جدا از قبول آن و دخالت در کار دیگران امتناع نمود دادگاه چگونه او را مجبور میکند و فرضاً دادگاه طبق ماده مزبور حکم صادر نماید ضمانت اجرائی آن چیست و اگر نسبت بحکم دادگاه اجرائیه صادر گردد مأمور اجرا نسبت بان شخص چه عملی را انجام خواهد داد

البته تمام موضوعات بالا قابل بحث است و چنانچه همکاران گرامی نظریاتی در این مورد داشته باشند مرقوم خواهند فرمود تا مورد استفاده قرار گیرد.